

از آرمگدون تا قرقیسیا

حجت الاسلام حسین سیاح - طلبه سطح دو مدرسه علمیه شیخ عبدالحسین
شایسته تقدیر سومین جشنواره علامه حلی استان تهران

چکیده

«آرمگدون» که در اصل هارمجیدون است واژه‌های عبری است که از دو بخش «هار» به معنای تپه و محل مرتفع و «مجیدو» به معنای اشراف و شریفان تشکیل شده است؛ بنابراین معنای عبری «آرمگدون» تپه شریفان است. «آرمگدون» نام نبردی است که به باور مسیحیان صهیونیست در آخرالزمان در منطقه ای به نام «مجدو» رخ خواهد داد و طی آن، نیروهای مسیح و ضد مسیح که نماد حق و باطلاند، باهم می‌آویزند و سرانجام آن، پیروزی نیروهای مسیح خواهد بود. از سوی دیگر منابع تاریخی اسلام نیز از نبردی خانمان سوز به نام «قرقیسیا» خبر داده‌اند که در منطقه ای به همین نام اتفاق می‌افتد. بهیقین ایجاد ارتباط و همانندی میان دو حادثه مذکور ناشی از سیاستهای خصمانه یهود با اسلام و نوعی تفکر صهیونیستی و باورنمایی مذهبی است که سعی دارد سراسر جهان را با دود و آتش دمساز کند و از این رهگذر به اهداف شوم خود نائل گردد. این پژوهش بر تفاوت ماهوی حوادث یادشده با یکدیگر تأکید داشته و آنرا با دلایلی چون یکسان نبودن منطقه جغرافیایی، ناهمگونی در شخص موعود منتظر و دشمنان او، تفاوت علت پیدایش آنها، خرافی بودن آرمگدون و مبنا داری قرقیسیا به اثبات رسانده است. محورهای اصلی این پژوهش عبارتاند از: آرمگدون، معنای اصطلاحی و منطقه جغرافیایی، آرمگدون، نبردی هسته ای؛ آرمگدون و مبلغان انجیلی؛ آرمگدون و دولتمردان امریکا؛ نبرد قرقیسیا، دلایل یکسان نبودن آرمگدون و قرقیسیا شامل یکسان نبودن در منطقه جغرافیایی، اختلاف در شخص موعود منتظر، اختلاف در تعیین مصداق دشمنان موعود، اختلاف در علت پیدایش، آرمگدون و مبنا داری قرقیسیا.

کلیدواژه

موعود، آرمگدون، قرقیسیا، مسیحیان صهیونیست.

مقدمه

باور به ظهور منجی و تشکیل حکومتی بر پایه عدل و داد سابقهای بس دیرینه دارد. در کتابهای آسمانی از جمله تورات سخن از موعود امم، آخرالزمان، عصر ظهور و ویژگی آنها و عنوان اوقیدمو و فیذموا به میان آمده است. مجوسیان نیز با عنوان ایزدشناس، ایزد نشان، کیقباد دوم، سوشیانت و... از این مسئله یاد کرده اند. در قرآن کریم نیز آیات متعددی به آینده جوامع انسانی و حکومت مبتنی بر عدل و توحید اختصاص دارد که برخی از مفسران آنها را به ظهور مهدی صاحبالزمان (عج) مربوط میدانند. انتظار، اندیشه‌های با کارکرد دوسویه است؛ یعنی در گذر تاریخ گاهی مایه عزت و عظمت ملتها شده و گاه نیز به دلیل لودگی و بلاهت عده‌ای، مورث ذلت و خفت گشته است. حکومت‌های حيله گر تاریخ همواره توانسته‌اند از این اندیشه سود برند. دولت حاکم بر ایالات متحده نیز از سنخ همین دولت ها است. حاکمیت مسیحیان صهیونیست در امریکا و ترویج افکار شوم آخرالزمانی خود، که در رأس این افکار، جنگ بزرگ آرمگدون قرار دارد، حرکت سیاسی این کشور را به بدترین وضعی در مسیر نابودی خود و همه جهانیان، به ویژه مسلمانان، قرار داده است. آرمگدون، بنا بر باور صهیونیست‌های یهودی و مسیحی، جنگ بزرگ خانمانسوزی است که در آخرالزمان میان نیروهای مدافع مسیحی و نیروهای ضد مسیح در میگردد و پس از تلفاتی بیشمار ظهور و حاکمیت مسیح موعود را موجب میشود و یهودیان که به خیال خود امت برگزیده‌اند، زیر لوای مسیح، حکومت جهانی یهود را تأسیس میکنند. پیرامون آرمگدون کتابها و مقاله‌هایی به رشته نگارش درآمده است و در روایات اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون قرقیسیا مطالبی دیده میشود، ولی نوآوری مقاله پیش رو در تطبیق این دو نبرد و بررسی نسبتشان با یکدیگر است. در این نوشتار از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

آرمگدون، معنای اصطلاحی و منطقه جغرافیایی

«آرمگدون» که در اصل «هارمجیدون» است؛ واژه‌های عبری است که از دو بخش هار به معنای تپه و محل مرتفع و مجیدو به معنای اشراف و شریفان تشکیل شده است؛ پس معنای عبری آرمگدون تپه شریفان است (سلمان عمرو، 1384 ش: 157) این تپه بزرگ، که در نقشهای قدیم و جدید با عنوان «مجدو» مشاهده میشود، ناحیه‌ای است در 55 مایلی شمال تلاویو و پانزده مایلی دریای مدیترانه (هالس، 1384 ش: ص 33) و در کرانه غربی رود آردن. مجدو شهری است که در طول تاریخ، منطقه‌های راهبردی بوده است. این شهر بر سر راه شرق، غرب، شمال و جنوب قرار داشته و جنگهای بسیاری در آن رخ داده است (فهم دانش، 1384 ش: ص 47). در این ناحیه دشت بزرگی هست که «اسدریلیون» نام دارد و در کتاب مقدس از آن با نام «دشت جرزیل» یادشده است (هالس، 1384 ش: 34-33) در قاموس کتاب مقدس ذیل مدخل مجد و مجدون آمده است: «محل سپاه شهر منسی که در مرز و بوم یساکار واقع و سابقاً ملك کنعانیان بود و یوشع این شهر را با دهات آن مفتوح ساخت (صحیفه یوشع، 21: 12 و 11: 17؛ سفر داوران، 27: 1؛ کتاب اول پادشاهان، 12: 4 و 15: 9 و کتاب اول تواریخ ایام، 29: 27) مدت مدیدی بود که بسیاری بر آن بودند که مجدو همان لجون است که بزرگترین شعبه رود مقطع از آن میگردد و در صورت صحت این رأی، شعبه مرقوم همان آبهای مجدو خواهد بود (داوران، 19: 5)

آخرالامر تامسن محلّ مجدو را در تلّ الموتاسلیم، که به فاصله کمتر از يك ربع فرسخ در شمال لجون واقع شده بود، قرار داد. حفريات اخير نشان داده است که قلعه مجدو در این مکان واقع بوده است و بقعه مجدو (کتاب دوم تواریخ ایام، 22: 35؛ کتاب زکریا، (11: 12) همان جایی است که باراق و دبوره بر کنعانیان چیرهگی یافتند در حالی که سیسرا سردار لشکر ایشان بود (داوران، 17: 4 - 6) و آخریا پادشاه یهودا نیز در آنجا جهان را بدرود گفت (کتاب دوم پادشاهان، (27: 9) و یوشیا نیز در آنجا از دنیا رفت (کتاب دوم پادشاهان، 23: 29 و کتاب دوم تواریخ ایام 24: 35 - (20) و در رساله مکاشفه یوحنا (16: 16) هرمجدون خوانده شده است. «(مستر هاکس، 1383 ش: 80).

نبرد قرقیسیا

«قرقیسیا» نام منطقه‌های واقع در دمشق است و در روایات بسیاری پیرامون نبرد بزرگی که در آخرالزمان در این منطقه اتفاق می‌افتد سخن گفته شده است. از آنجا که برخی عالمان و محققان در سالهای اخیر تلاشهایی را برای انطباق نبرد قرقیسیا بر نبرد آرماگدون - که از نظر ما باوری خرافی است و در جهت سودجوییهای مادی و سیاسی صهیونیسم بهکار گرفته میشود - سامان داده‌اند و این، صهیونیسم را در رسیدن به اهداف شوم خود یاریگر است، نگارنده بر آن شده است ثابت کند که آرماگدون افزون بر خرافی، ساختگی و توطئه آمیز بودن، به لحاظ نشانههایی که صهیونیستها برای آن برشمرده‌اند چه نشانههایی پیش از وقوع و چه نشانههایی پس از آن - نیز بههیچروی با نبرد «قرقیسیا» یکسان نیست و این دو نبرد هرگز اینهمانی ندارند.

از امام حسین(ع) روایت شده است: «همانا خداوند را در قرقیسیا سفرهای است که منادی از آسمان ندا میدهد: ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین، بشتابید بهسوی سیر شدن از گوشتهای ستمگران.» (مهد تحقیقات باقر العلوم (ع)، 1416 ق: (670) روایت زیر نیز دراینباره با سند صحیح رسیده است: «امام باقر (ع) فرمود: ای میسر، میان شما و قرقیسیا چه اندازه فاصله است؟ میسر گفت: همین نزدیکی در ساحل فرات است. آن حضرت فرمود: آگاه باشید که همانا در آنجا واقعه ای رخ میدهد که از زمانی که خداوند تبارک و تعالی آسمانها و زمین را آفرید ماندنی نداشته است و تا آنگاه که آسمانها و زمین برجاست، ماندنی نخواهد داشت. سفرهای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می شوند. قبیله بنی قیس در آن نابود میشوند در حالی که یاریگر یا خونخواهی ندارند» (کلینی، 1389 ق: (8/295) در جایی دیگر امام باقر(ع) میفرماید: «همانا فرزندان عباس و مروان را در قرقیسیا واقعه‌ای است که پسر نیرومند در اثر آن پیر می شود و خداوند پیروزی را از آنان برمیکرداند و پرندگان آسمان و درندگان زمین فراخوانده میشوند: بخورید از گوشت ستمگران؛ سپس سفیانی خروج میکند.» (نعمانی، بیتا: 304)

دلایل یکسان نبودن آرماگدون و قرقیسیا

1. یکسان نبودن در منطقه جغرافیایی

1 - 1 منطقه جغرافیایی قرقیسیا

در اطلس تاریخ اسلام زیر عنوان «منطقه موصل و جزیره» آمده است: «این منطقه بخش شمالی بین النهرین را شامل میشود و ناحیهای است پهناور که منزلگاه عراقیان کهن و ایرانیان و اکراد و ارمنیها و نژادهای دیگر بوده است. این منطقه تا رود خابور از آن ایرانیان بود. در جایی که رود خابور به فرات میریزد، شهر قرقیسیا (Circeslum) بنا شده است.» (مونس، 1375 ش: 141). در معجم ما استعجم درباره این ناحیه آمده است: «ناحیهای از نواحی دیار ربیع که جلگی آن میان حیره و شام قرار دارد» (البکری الاندلسی، 1403 ق: 58). یاقوت حموی نگاشته است: «محلّی مجاور نهر خابور و نزدیک منطقه مالک بن طوق در شش فرسنگ. رود خابور در آنجا به فرات میریزد؛ پس آن در مثلثی میان خابور و فرات است...» (حموی، 1423 ق: (4/329)

1 - 2 منطقه جغرافیایی آرماگدون

انطباق نداشتن این دو ناحیه روشن و مسلم است؛ چه میان مجدو که در فلسطین و در کرانه غربی رود اردن واقع شده و قرقیسیا که در کنار رود فرات و جایی که رود خابور به رود فرات اتصال مییابد و در آن میریزد قرار دارد فرسنگها فاصله است. با خوانش منابعی که درباره محل واقعه شدن قرقیسیا گزارش داده‌اند و ما برخی از آنها را یادکردیم و نیز با نگرستن به نقشه‌های قدیمی و جدیدی که این ناحیه را در برگرفته‌اند و با انجام همین کاوش در مورد آرماگدون در میابیم که قرقیسیا بیگمان در جانب رود فرات در ناحیه مثلث شکلی که از برخورد دو رود خابور و فرات پدید آمده واقعه شده است و فرات هرگز از فلسطین نمیگذرد.

2. اختلاف در شخص موعود منتظر

طرفداران نبرد آرماگدون، نظریه‌پردازان و منتظران آن در انتظار ماشیح، مشیا، مسیا، مسیحا یا همان مسیح موعودند که از دیدگاه یهودیان قرار است ظهور کند و از دیدگاه مسیحیان بازگشت. این در حالی است که مسلمانان در انتظار ظهور مهدی (عج) موعودند که از سلاله پاک حضرت رسالت پناه، محمد مصطفی (ص) است و عیسی مسیح (ع) خود یکی از یاران او است.

3. اختلاف در تعیین مصداق دشمنان موعود

بنیادگرایان انجیلی بر این باورند که در آرماگدون، دشمن مسیح، ((Anti Christ فردی از جنس انسان و یهودی است. کلاید میگوید: «[دشمن مسیح] یکی از ما خواهد بود، انسانی به تمام معنا. او همسان شیطان نیست؛ به عبارت دیگر او دارای قدرت و توان معنوی و روحی نیست، اما شیطان به او کمک میکند. دشمن مسیح يك انسان به تمام معنا شرور است.» (هالس، 1384 ش: 48). در گردهمایی کشیشان که در 15 ژانویه 1999 در کینگزپورت تنسی برگزار شد و 1500 نفر در آن حضور داشتند، جری فالول گفت: «دشمن مسیح

— که دو هزار سال پیش به تصویر کشیده شده است و تاجی از شر بر سر دارد— ممکن است یهودیای باشد که امروز با ما زندگی میکند. او بی شک یهودی است. اگر او دشمن مسیح است، باید یهودی باشد و آنچه ما میدانیم این است که او میبایست مذکر و یهودی باشد؛ چون وقتی مسیح برای اولین بار در دو هزار سال پیش بر زمین فرود آمد فردی یهودی بود؛ بنابراین به باور بیشتر انجیلیها دشمن مسیح بیشک یهودی و مذکر است.» (همان: 45) فالول همچنین گفته است: «چرا دشمن مسیح ارتشهای جهان را علیه مسیح رهبری میکند؟ (الف) چون از حاکمیت خداوند متنفر است. جنگ همیشه میان شیطان و مسیح وجود داشته است؛ (ب) چون فریب شیطان با سر فرود آوردن این ملل مقابل او میسر میشود؛ (ج) به دلیل نفرت این ملل از حضرت مسیح.» (همان: 50)

کشیشان انجیلی به پارهای از آیههای کتاب مکاشفات یوحنا استناد میکنند (کتاب مقدس، 2002 م: (22-2/1) و آن را به ظهور مسیح و جنگیدن او با دشمنانش در آرماگدون و شکست دشمنان او در پایان آن جنگ تفسیر میکنند. در رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان میخوانیم: «تا دروغ را باور کنند و تا فتوایی شود بر همه کسانی که راستی را باور نکردند بلکه به ناراستی شاد شدند.» (کتاب مقدس، 2002 م: (12-2/1)

اوانجلیکها بر این باورند که برخی کلمات عبرانی بهکار رفته در کتاب مقدس مترادف روسیه و مسکواست و با این استدلال میگویند که ضد مسیح از سمت روسیه خواهد آمد (صاحب خلق، 1383 ش: (91) از نگاه صهیونیستها دشمن مسیح شخصی در قالب و کالبد انسان است که نیروهای ضد مسیح را علیه او بسیج و سازماندهی میکند. بهر تقدیر آنتی کریست هر شخصی و باهر ویژگیای که باشد از نگاه بنیادگرایان انجیلی نیروهایی را از روسیه، چین و برخی کشورهای عربی سازماندهی و علیه مسیح وارد جنگ خواهد کرد.

به گفته عدنان اکتار تا پیش از فروپاشی شوروی آنان بر این گمان بودند که جنگ، میان ائتلافی از دولتهای عربی به رهبری شوروی در یک سوی میدان و اسرائیل در سوی دیگر آن رخ خواهد داد؛ چه در جنگهای پیشین، بهویژه «جنگ شش روزه» و «یوم کیپور»، شوروی از کشورهای عربی حمایت میکرد. در اوایل دهه 1990، که جنگ سرد پایان یافت و اسرائیل از دست دشمن دیرینش رهایی یافت، آخرین توافق سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل، نشاندهنده نبود وحدت در جبهه اعراب در برابر رژیم صهیونیستی بود. از آنجا که یهودیان همیشه میبایست یکی را هدف دشمنیهای خویش قرار دهند پس از آن رهبری جبهه مخالفان مسلمان خویش را «جمهوری اسلامی ایران» خواندند و آن را دشمن جدید اسرائیل در جنگ آرماگدون معرفی کردند و بهاینترتیب سمت و سوی هدفگیری سلاحهای هستهای اوانجلیکها و اسرائیل عوض شد (صاحب خلق، 1383 ش: (178-177) بر پایه روایتی که پیرامون نبرد قرقیسیا از ناحیه حضرات معصومین (علیهم السلام) صادر شده است، افزون بر ناهمگونی شخص موعود و یاران او در این نبرد با آنچه پیرامون نبرد آرماگدون گزارش شده است، دشمن اصلی موعود و ویژگیهای او و نیز نیروهایی که علیه موعود سازماندهی کرده است متفاوتاند. برای نمونه در روایتی آمده است: «دخوله (السفیانی) الكوفه بعد ما یقاتل الترك و الروم بقرقیسیاء...» (المرفدی، بیتا: 212)؛ درآمدن سفیانی به کوفه پس از نبرد ترک و روم در قرقیسیا است (یا پس از نبرد با ترک و روم در قرقیسیا است) بر پایه این روایت دشمنان سفیانی ترک و روم است نه مسیح و یاران یهودی و مسیحی او. درباره وارد شدن سفیانی به کوفه نیز آمده است: «یدخل السفیانی الكوفه فیسببها ثلاثه ایام و یقتل من اهلها ستین الفاً ثم یمكث فیها ثمانیه عشر (كذا) لیله، یقسم اموالها و دخوله مکه بعد ما یقاتل الترك و الروم بقرقیسیا ثم ینفتق علیهم خلفهم فتق فیرجع طائفه منهم الی خراسان فتقبل خیل السفیانی و تهدم الحصون حتی تدخل الكوفه و تطلب اهل خراسان و یظهر بخراسان قوم یدعون الی المهدی، ثم یبعث السفیانی الی المدینه فیأخذ قوما من آل محمد حتی یرد بهم الكوفه. ثم یخرج المهدی و منصور من الكوفه هاربین و یبعث السفیانی فی طلبها فإذا بلغ المهدی و منصور مکه نزل جیش السفیانی البیداء فیخسف بهم ثم یخرج المهدی حتی یمر بالمدینه فیستنقذ من كان فیها من بنی هاشم و تقبل الرايات السود حتی تنزل علی الماء فیبلغ من الكوفه من اصحاب السفیانی نزولهم فیهربون ثم ینزل الكوفه حتی ینتقذ من فیها من بنی هاشم. و یخرج قوم من سواد الكوفه یقال لهم العصب لیس معهم سلاح الا قلیل و فیهم نفر من اهل البصره فیدركون اصحاب السفیانی فیستنقذون ما فی ایدیهم من سبی الكوفه و تبعث الرايات السود بالبیعه الی المهدی.» (کورانی، 1411 ق: 1/400). نبرد سفیانی با ترک و روم در روایات دیگری نیز بیان شده است. در این روایات از دشمنان سفیانی به ترک و روم تعبیر شده است. منظور از ترک، ممکن است ترکیه کنونی باشد؛ از آنجا که نبرد قرقیسیا بر سر داراییای است که در نزدیکی مرزهای سوریه و ترکیه وجود دارد. (کورانی، بی تا: (132) منظور از روم نیز میتواند فرانسه و ایتالیا باشد.

در کتاب روزگار رهایی نیز احادیث متعددی درباره ترکان و اینکه فتنه ترک در قرقیسیا واقع میشود ذکر شده است. برای نمونه به نقل از پیامبر اکرم (ع) آمده است: «للترك خرجتان، خرجه فیها خراب آذربایجان و خرجه یخرجون فی الجزیره یخیفون ذوات الحجال فینصر الله المسلمین فیهم ذبح الله الأعظم؛ (سلیمان، 1381 ش: (943) ترکان دو خروج دارند؛ در خروج نخست، آذربایجان ویران میشود و دیگر بار در جزیره خروج میکنند و زنان پردگی را میترسانند؛ پس خداوند مسلمانان را یاری میدهد؛ در حالیکه ذبح الله اعظم در میان آنان است.» همچنین در روایتی دیگر: «همانا ترکان به جزیره وارد خواهند شد تا اینکه اسبانشان از فرات مینوشند. سپس خداوند آنان را دچار طاعون و مرگ میکند و از آنان جز يك تن جان سالم به در نمیرد. و نیز آنان را دچار برفی میکند که در آن صدای گوشخراش و باد است. پس ناگهان بیحرکت میشوند (میمیرند)... پس مسلمانان بهسوی یارانشان میروند و میگویند: همانا خداوند آنان را هلاک و شرشان را از شما دور کرد.» (سلیمان، 1381 ش: 942)

4. اختلاف در علت پیدایی

بیشتر علت پیدایی آرماگدون را از دیدگاه صهیونیستها بر رسی نمودیم. اجمالاً باید گفت به باور آنان نبرد آرماگدون برای از میان بردن نیروهای ضد مسیح و به سروری و حکومت رساندن یهود رخ میدهد؛ این در حالی است که آنگونه که از روایات برمیآید نبرد قرقیسیا برای بهدست آوردن گنجی است که گفته میشود در ناحیه فرات وجود دارد. گزارش ابنحماد از این گنج به نقل از حضرت ختمیمرتبت (ص) چنین است: «در فرات کوهی از طلا و نقره کشف میشود و بر سر آن از هر نه نفر هفت نفر کشته میشوند؛ پس آنگاه که به آن دسترسی پیدا کردید نزدیک آن نشوید.» (المرفدی، بیتا: 232). در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان (عج) نیز به ماجرای آشکار شدن کوهی

از طلا در فرات و جدال مردمان بر سر آن و کشته شدن نه دهم آنان اشاره شده است: «لا تقوم الساعة حتى يحسر الفرات عن جبل من ذهب يقتتل عليه الناس و يقتل تسعة أعمشاهم.» (متقی الهندی، بی‌تا: 111). هدف اصلی سفیانی از جنگ عراق چیرگی بر آن کشور و ایستادگی در برابر نیروهای ایرانی و زمینسازان ظهور امام عصر (عج)، که از عراق به سوی سوریه و قدس پیش می‌روند خواهد بود، ولی در راه عراق در اثر حادثه عجیبی جنگ قرقیسیا رخ میدهد و آن حادثه پیدا شدن گنجی در مجرای فرات و یا نزدیک مجرای آن رود است؛ بهگونهای که عده‌ای از مردم برای دست یافتن به آن میکوشند و آتش جنگ میان آنان شعلهور میشود و بیش از صد هزار تن کشته میشوند و هیچ یک به پیروزی قطعی نمیرسند و به آن گنج دست نمی‌یابند، بلکه همگی از آن منصرف و به مسایل دیگر مشغول میشوند (کورانی، بی‌تا: 129).

5. اختلاف در تعداد تلفات

پیرامون تعداد تلفات در نبرد آرماگدون گفته شده است که از هر دو نفر یک نفر کشته میشود و مجموعاً 3 میلیارد نفر کشته خواهند شد. (هالسل، 1384 ش: 39/18) این در حالی است که رقم تلفات نبرد قرقیسیا صد هزار نفر گزارش شده است که این با سه میلیارد نفر، ناهمگونی آشکار دارد. شیخ مفید نگاشته است: «ثم لا يكون همه الا الاقبال نحو العراق و يمر جيشه بقرقيسيا فيقتلون بها مئة الف رجل من الجبارين (شیخ مفید، بی‌تا، 256)؛ سپس جز به عراق روی نخواهد کرد. سپاه او از قرقیسیا میگذرند و صد هزار نفر از ستمگران را میکشند.»

در حدیثی که از امام باقر (ع) رسیده است میخوانیم: «تبنى مدينة مما يلي المشرق يكون فيها وقعه لم يسمع اهل ذلك الزمان بمثلها ثم تجلى هي و الوقعه التي في الشام عن اربع مئة ألف قتيل ثم يخرج المهدي في اثر ذلك لا ترد له رايه.» (سليمان، 1381 ش: 1120)؛ خواننده محترم توجه دارد که رقم چهارصد هزار یادشده در این حدیث به دو واقعه مربوط است؛ یعنی «وقعه لم يسمع اهل ذلك الزمان بمثلها» و «الوقعه التي في الشام» که در مجموع چهارصد هزار کشته دارند.

6. خرافی بودن آرماگدون و مبنای قرقیسیا

نبرد قرقیسیا چه واقع شود و چه نشود مبنای روایی دارد و در منابع گوناگون شیعه و سنی پیرامون آن گزارشهایی یافت میشود؛ ضمن آنکه هیچ یک از مسلمانان تا به حال درصدد سوءاستفاده از احتمال وقوع چنین نبردی نبوده است، لکن آرماگدون هیچ مبنای عقلی و نقلی مقبولی ندارد و از پایه خرافی است و ملعبه دست حیلگران جهان سیاست در امریکا و اسرائیل شده است. در مورد بخشهایی از عهد قدیم و عهد جدید که از رخ دادن جنگی خانمانسوز خبر می دهند و ما برخی از آنها را در میان مباحثان آوردیم همگی مربوط به گذشته است؛ یعنی بیان آنها به گونه ای است که روشن است پیرامون نبردی که پیش از این رخ داده است گزارش میکنند، نه نبردی که رخ خواهد داد. آن بخشهایی نیز که از گذشته حکایت نمی کنند دارای نثری نمادین و تمثیلیاند و متون تمثیلی را میشود به شکلهای مختلف تفسیر و تأویل کرد.

نکته دیگری که خرافی بودن آرماگدون را قوت میبخشد آنکه، همانگونه که در بخش پیشین نیز گفتیم، مدعیان و طرفداران آرماگدون، تلفات این نبرد را سه میلیارد نفر میدانند؛ حال آنکه منطقه مجددو ناحیهای کوچک است و بهیچروی چنین گنجایشی ندارد. سخن دیگر آنکه باورمندان آرماگدون تا به حال تاریخ های گوناگونی را برای رخ دادن این نبرد معین کرده اند؛ درحالیکه آرماگدون در هیچ یک از آن تاریخ ها اتفاق نیفتاده است.

نتیجه

«قرقیسیا» نام منطقه ای واقع در دمشق است و در روایات بسیاری پیرامون نبرد بزرگی که در آخرالزمان در این منطقه رخ می دهد سخن گفته شده است. آرماگدون افزون بر خرافی، ساختگی و توطئه آمیز بودن، به لحاظ نشانه هایی که صهیونیست ها برای آن برشمرده اند — چه نشانه های پیش از وقوع و چه نشانه های پس از آن — نیز به هیچ روی با نبرد قرقیسیا یکسان نیست و این دو نبرد هرگز این همانی ندارند. نبرد قرقیسیا چه واقع شود و چه نشود مبنای روایی دارد و در منابع گوناگون شیعه و سنی پیرامون آن گزارش هایی یافت میشود؛ ضمن آنکه هیچ یک از مسلمانان تا به حال درصدد سوءاستفاده از احتمال وقوع چنین نبردی نبوده است، ولی آرماگدون هیچ مبنای عقلی و نقلی پذیرفتهای ندارد و از پایه خرافی است و ملعبه دست حیلگران جهان سیاست در امریکا و اسرائیل شده است.

کتابنامه

1. اکتار، عدنان، (1384) ش)، تاریخ ناگفته و پنهان امریکا، ترجمه نصیر صاحب خلق، تهران: هلال.
2. بکری الاندلسی، ابی عبید عبدالله بن عبدالعزیز، (1403) ق)، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، 6666 تحقیق مصطفی السقا، بیروت: عالم الکتب، چ 3.
3. حموی، یاقوت بن عبدالله، (1423) ق)، معجم البلدان، بیروت: مجمع الثقافی.
4. سلمان، عمرو، (1384) ش)، صهیونیسم مسیحی، ترجمه عباس سید میر جمکرانی، تهران: موعود عصر، 666 چ 4، ج 1.
5. سلیمان، کامل، (13841) ش)، روزگار رهایی، ترجمه علیاکبر مهدی پور، تهران: آفاق.
6. سید افقهی، سید هادی، (1382) ش)، میزگرد مسیحیت صهیونیستی، تهران: موعود.
7. شیخ مفید، (بی‌تا)، الإختصاص، تحقیق علیاکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین.
8. صاحب خلق، نصیر، (1383) ش)، پروتستانتیزم، پیوریتانسیسم و مسیحیتصهیونیستی، تهران: هلال.
9. طبرسی نوری، میرزا حسین، (1377) ش)، نجم الثاقب، قم: مسجد مقدس جمکران، چ 2.
10. طوسی، محمد بن الحسن، (1411) ق)، الغیبه، تحقیق عبدالله الطهرانی و الشیخ علی. احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف

11. كتاب مقدس، (2002 م)، انگلستان: انتشارات ايلام.
 12. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، (1389 ق)، الكافي، تحقيق عليا كبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ج 2.
 13. كوراني، علي، (1378 ش)، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران: سازمان تبليغات اسلامي.
 14. كوراني، علي، (1411 ق)، معجم احاديث الامام المهدي (عج)، بيجا: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
 15. متقى الهندي، علاء الدين علي، (بيتا)، البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، بي جا.
 16. مرفدي، ابي عبدالله نعيم بن حماد، (بيتا)، كتاب الفتن، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دار الفكر.
 17. مستر هاكس، (1383 ش)، قاموس كتاب مقدس، تهران: اساطير، ج 2.
 18. معهد تحقيقات باقر العلوم (ع) منظمه الاعلام الاسلامي، (1416 ق)، موسوعه كلمات الامام الحسين (ع)، قم: دار المعروف، ج 3.
 19. مونس، حسن، (1375 ش)، اطلس تاريخ اسلام، ترجمه دكتر آذر نوش، تهران: نيروهاي مسلح.
 20. نجيري، محمود، (1384 ش)، آرمگدون، ترجمه رضا عباسپور و قيس زعفراني، تهران: هلال.
 21. نعماني، محمد بن ابراهيم، (بيتا)، الغيبه، تحقيق عليا كبر غفاري، تهران: مكتبه الصدوق.
 22. هالسل، گريس، (1384 ش)، يدالله، ترجمه عربي و شرح و اضافات محمد السماك، ترجمه از عربي به فارسي قيس زعفراني، تهران: هلال.
- مقالات
23. فهم دانش، علي، (1384 ش)، «مسيحيان صهيونيست را بهتر بشناسيم» پيشگوييها و آخر الزمان، ج 2، تهران: موعود عصر (عج).
 24. سيد افقي، سيد هادي، (1382 ش)، «ميزگرد مسيحيت صهيونيستي» ش 39، تهران: موعود.
 25. سلمان، عمرو، (1384 ش)، «صهيونيسم مسيحي» ترجمه عباس سيد مير. جمكراني، پيشگوييها و آخر الزمان، ج 1، تهران: موعود عصر، ج 4.